

درس 61

* چوپانان چگونه از گوسفندان خود در شب محافظت می کردند؟
- قبل از فرا رسیدن شب، چوپان ها صخره یا پناهگاه می ساختند و یکی از گوسفندان را به عنوان درب قرار می دادند.

* وقتی پناهگاه تمام شد و چوپان گوسفندان خود را در داخل پناهگاه می کرد، چوپان کجا می خوابید؟
* چوپان در ورودی درب می خوابید.

* چرا چوپان در ورودی درب می خوابید؟
- برای محافظت از گوسفندانی که داخل پناهگاه بودند.

* منظور عیسی چه بود که گفت که او دری برای گوسفندان است؟
- منظور عیسی این بود که او راهی است که از طریق او می توانیم از مرگ نجات پیدا کنیم.

* در مثال گوسفندان عیسی چه کسانی هستند؟
- کسانی که می دانند گناه آنها مرگ را فرا می خواند و عیسی را صدا می زنند تا آنها را نجات دهد.

* بعضی ها می گویند درها بسوی خدا زیاد است. آیا این درست است؟
- خیر این یک دروغ است.

* چگونه یک درب کشتی نوح ، ما را به یاد عیسی می اندازد؟
- همانطور که فقط یک درب در کشتی نوح وجود داشت، عیسی نیز تنها دری به سوی زندگی ابدی است.
- همانطور که کسانی که از یک درب وارد کشتی نوح شدند و از مرگ نجات یافتند، کسانی که به عیسی ایمان دارند نیز از مرگ نجات خواهند

یافت.

* دزدی که فقط برای دزدی و کشتن و نابودی می آید کیست؟
- شیطان.

* عیسی گفت که گوسفندان خود را آنقدر دوست دارد که حاضر است برای آنها چه کند؟
- عیسی حاضر بود برای آنها بمیرد.
- روزی ایلعازر که دوست عیسی بود و در بیت عنیا زندگی می کرد، بیمار شد.

بیابید یوحنا 11: 1-6 را بخوانیم :

- 1- مردی ایلعازر نام بیمار بود. او از مردمان بیت عنیا، دهکده مریم و خواهرش مارتا بود.
- 2- مریم همان زنی بود که خداوند را با عطر تدهین کرد و با گیسوانش پاهای او را خشک نمود. اینک برادرش ایلعازر بیمار شده بود.
- 3- پس خواهران ایلعازر برای عیسی پیغام فرستاده، گفتند: سرور ما، دوست عزیزت بیمار است.
- 4- عیسی چون این خبر را شنید، گفت: این بیماری به مرگ ختم نمی شود، بلکه برای تجلیل خداست، تا پسر خدا به واسطه آن جلال یابد.
- 5- عیسی، مارتا و خواهرش و ایلعازر را دوست می داشت.
- 6- پس چون شنید که ایلعازر بیمار است، دو روز دیگر در جایی که بود، ماند.

- هنگامی که ایلعازر بیمار شد، خواهرانش مریم و مارتا برای عیسی که بسیار دور از بیت عنیا اقامت داشت، خبر فرستادند.

* عیسی درباره بیماری ایلعازر چه گفت؟
- عیسی گفت که بیماری ایلعازر به مرگ ختم نمی شود، بلکه برای جلال خدا خواهد بود.

- با وجود اینکه عیسی شنید که ایلعازار بیمار است، عیسی دو روز دیگر در همان جا ماند.

* وقتی عیسی شنید که ایلعازار بیمار است، چرا عیسی بلافاصله نزد ایلعازار نرفت؟

- زیرا عیسی می خواست قدرت خود را به عنوان خدای نجات دهنده نشان دهد.

* آیا عیسی توانست بیماری ایلعازار را از راه دور شفا دهد؟
- بله .

- مدتی پس از آن، عیسی با شاگردانش صحبت کرد.

بیابید یوحنا 11: 7-8 و 11-16 را بخوانیم :

7- سپس به شاگردان خود گفت: بیابید باز به یهودیه برویم.

8- شاگردانش گفتند: استاد، دیری نمی‌گذرد که یهودیان می‌خواستند سنگسار کنند، و تو باز می‌خواهی بدان‌جا بروی؟

11- پس از این سخنان بدانها گفت: دوست ما ایلعازر خفته است، اما می‌روم تا بیدارش کنم.

12- پس شاگردان به او گفتند: سرور ما، اگر خفته است، بهبود خواهد یافت.

13- اما عیسی از مرگ او سخن می‌گفت، حال آنکه شاگردان گمان می‌کردند به خواب او اشاره می‌کند.

14- نگاه عیسی آشکارا به آنان گفت: ایلعازر مرده است.

15- و به‌خاطر شما شادمانم که آنجا نبودم، تا ایمان آورید. اما اکنون نزد او برویم.

16- پس تو ما، که به دوقلو ملقب بود، به شاگردان دیگر گفت: بیابید ما نیز برویم تا با او بمیریم.

* وقتی عیسی به شاگردان گفت که به یهودیه باز خواهند گشت، چرا شاگردان ترسیدند؟

- زیرا یهودیان یهودیه سعی کرده بودند عیسی را سنگسار کنند.

- وقتی عیسی نیز به شاگردان گفت که ایلعازار مرده است، شاگردان عیسی را درک نکردند.
- شاگردان فکر کردند که عیسی می خواهد به رهبران یهود اجازه دهد او را بکشند تا او با ایلعازار باشد.
- منظور عیسی این نبود.

* وقتی عیسی و شاگردانش به بیت عنیا بازگشتند چه اتفاقی افتاد؟

یوحنا 17:11-22 را بخوانیم :

- 17- چون عیسی بدانجا رسید، دریافت چهار روز است که ایلعازر را در قبر نهاده اند.
- 18- بیت عنیا پانزده پرتاب تیر با اورشلیم فاصله داشت.
- 19- یهودیان بسیار نزد مریم و مارتا آمده بودند تا آنان را در مرگ برادرشان تسلی دهند .
- 20- پس چون مارتا شنید که عیسی بدانجا می آید به استقبالش رفت، اما مریم در خانه ماند .
- 21- مارتا به عیسی گفت: سرورم، اگر اینجا بودی برادرم نمی مرد.
- 22- اما می دانم که هم اکنون نیز هر چه از خدا بخواهی، به تو خواهد داد.

* خواهر ایلعازر، مارتا، به عیسی چه گفت؟

- مارتا گفت که اگر عیسی آنجا بود، ایلعازر نمی مرد.
- مارتا به این فکر می کرد که اگر عیسی در زمانی که ایلعازار هنوز زنده بود آنجا بود، عیسی ایلعازار را شفا می داد.

* پس عیسی به مارتا چه گفت؟

یوحنا 23:11-24 را بخوانیم :

- 23- عیسی به او گفت: برادرت بر خواهد خاست .

24- مارتا به او گفت: می‌دانم که در روز قیامت بر خواهد خاست.
- عیسی به مارتا گفت که می‌خواهد برادرش ایلعازار را زنده کند.

* مارتا فهمید؟

- خیر .
- مارتا فکر کرد که عیسی می‌خواهد برادرش ایلعازار را در روز آخر زنده کند.

* آیا منظور عیسی همین بود؟

- خیر .
- مارتا به عیسی گفت که می‌دانست ایلعازار در آخرین روز زنده خواهد شد.

* منظور مارتا از روز آخر چی بود؟

- آخرین روز پایان روزگاری خواهد بود که همه مردم مرده زنده خواهند شد.

- در روز آخر، خداوند همه افرادی را که مرده اند زنده می‌کند تا مورد قضاوت خداوند قرار گیرند.

- در روز آخر، خداوند همه مردم را به خاطر گناهانی که مرتکب شده اند، داوری خواهد کرد.

* عیسی به مارتا چه پاسخی داد؟

یوحنا 25:11 را بخوانیم :

25- عیسی به او گفت: من رستاخیز و حیات هستم.

* عیسی به مارتا چه گفت؟

- عیسی گفت که او رستاخیز و حیات است.
- عیسی به مارتا می‌گفت که ایلعازار نباید منتظر آخرین روز باشد تا از

مردگان بازگردانده شود.

* چرا ایلعازار برای زنده شدن از مردگان مجبور نبود تا آخرین روز صبر کند؟

- زیرا عیسی آنجا بود و عیسی قیامت و حیات است.
- عیسی این قدرت را داشت که حتی به کسانی که مرده بودند زندگی بدهد.

* آیا شیطان و شیاطینش می توانند مردگان را زنده کنند؟
- خیر.

* آیا فرشتگان می توانند مردگان را زنده کنند؟
- خیر.

* چه کسی به تنهایی می تواند مردگان را زنده کند؟
- عیسی که خداست.

* پس عیسی به مارتا چه گفت؟

بیابید یوحنا 11:25 - 26 را بخوانیم :

25- عیسی گفت: هر که به من ایمان آورد، هر چند بمیرد، زنده خواهد ماند.

26- و هر که زنده است و به من ایمان دارد هرگز نخواهد مرد. آیا این را باور داری؟

- عیسی گفت که هر که به او ایمان بیاورد با اینکه بمیرد زنده خواهد ماند.

* آدم با اینکه بمیرد چگونه می تواند زندگی کند؟

* منظور عیسی چه بود؟

- عیسی می گفت هر که به او ایمان بیاورد هرگز برای خدا نخواهد مرد، حتی اگر بدنش بمیرد.

- عیسی می گفت هر که به او ایمان بیاورد، روحش به بهشت می رود تا با خدا زندگی کند، حتی اگر بدنش بمیرد.

* سپس مارتا به عیسی چه پاسخی داد؟

یوحنا 27:11 را بخوانیم :

27- مارتا گفت: آری، سرورم، من ایمان آورده‌ام که تویی مسیح، پسر خدا، همان که باید به جهان می‌آمد.

* آیا مارتا معتقد بود که عیسی خدای ناجی است؟
- بله .

- سپس مارتا خواهرش مریم را صدا کرد.

یوحنا 28:11-38 را بخوانیم :

28- این را گفت و رفت و خواهر خود مریم را فرا خوانده، در خلوت به او گفت: استاد اینجاست و تو را می‌خواند.

29- مریم چون این را شنید، بی‌درنگ برخاست و نزد او شتافت.

30- عیسی هنوز وارد دهکده نشده بود، بلکه همان‌جا بود که مارتا به دیدارش رفته بود.

31- یهودیانی که با مریم در خانه بودند و او را تسلی می‌دادند، چون دیدند مریم با شتاب برخاست و بیرون رفت، از پی او روانه شدند. گمان می‌کردند بر سر قبر می‌رود تا در آنجا زاری کند.

32- چون مریم به آنجا که عیسی بود رسید و او را دید، به پاهای او افتاد و گفت: سرورم، اگر اینجا بودی برادرم نمی‌مرد.

33- چون عیسی زاری مریم و یهودیان همراه او را دید، در روح برآشفته و سخت منقلب گشت.

34- پرسید: او را کجا گذاشته‌اید؟ گفتند: سرور ما، بیا و ببین.

35- عیسی گریست.

36- پس یهودیان گفتند: بنگرید چقدر او را دوست می‌داشت!

- 37- اما بعضی گفتند: آیا کسی که چشمان آن مرد کور را گشود، نمی‌توانست مانع از مرگ ایلعازر شود؟
- 38- سپس عیسی، باز در حالی که برآشفته بود، بر سر قبر آمد. قبر، غاری بود که بر دهانه‌اش سنگی نهاده بودند.

* چرا عیسی وقتی به قبر ایلعازر آمد گریه کرد؟
- زیرا عیسی از دیدن گریه دیگران ناراحت شد.
- خدا غمگین است چون در دنیا گناه هست.
- خدا غمگین است چون در دنیا مرگ وجود دارد.

- وقتی مردم آسیب می‌بینند، خدا غمگین می‌شود.
- وقتی مردم مریض می‌شوند، خدا غمگین می‌شود.
- این به این دلیل است که خداوند همه مردم را آفریده و همه مردم را دوست دارد.

* پس عیسی به مردم چه گفت؟

یوحنا 11:39-44 را بخوانید :

- 39- فرمود: سنگ را بردارید. مارتا خواهر متوفا گفت: سرورم، اکنون دیگر بوی ناخوش می‌دهد، زیرا چهار روز گذشته است.
- 40- عیسی به او گفت: مگر تو را نگفتم که اگر ایمان آوری، جلال خدا را خواهی دید؟
- 41- پس سنگ را برداشتند. آنگاه عیسی به بالا نگریست و گفت: پدر، تو را شکر می‌گویم که مرا شنیدی.
- 42- من می‌دانستم که همیشه مرا می‌شنوی. اما این را به‌خاطر کسانی گفتم که در اینجا حاضرند، تا ایمان آورند که تو مرا فرستاده‌ای.
- 43- بن را گفت و سپس به بانگ بلند ندا درداد: ایلعازر، بیرون بیا!
- 44- پس آن مرده، دست و پا در کفن بسته و دستمالی گرد صورت پیچیده، بیرون آمد. عیسی به ایشان گفت: او را باز کنید و بگذارید برود.

* عیسی چه کرد؟

- عیسی در ورودی قبر ایستاد و به ایلعازار دستور داد که از مردگان بیدار شود.

* آیا ایلعازار از مرگ بیدار شد؟

- بله .

* چرا عیسی توانست ایلعازار مرده را زنده کند؟

- زیرا عیسی تمام زندگی را آفرید.

* چرا عیسی تصمیم گرفت ایلعازار را از مردگان زنده کند؟

- زیرا عیسی می خواست به همه مردم نشان دهد که خدا حتی بر مرگ نیز قدرت دارد.

* پس از اینکه عیسی ایلعازار را از مردگان بازگرداند، مردم چه گفتند؟

یوحنا 11:45-48 را بخوانید:

45- پس بسیاری از یهودیان که به دیدار مریم آمده و کار عیسی را دیده بودند، به او ایمان آوردند.

46- اما برخی نزد فریسیان رفتند و آنها را از آنچه عیسی کرده بود، آگاه ساختند.

47- پس سران کاهنان و فریسیان به مشورت نشستند، گفتند: چه کنیم؟ آیات بسیار از این مرد به ظهور می‌رسد.

48- اگر بگذاریم همچنان پیش رود، همه به او ایمان خواهند آورد، و رومیان آمده، این مکان و این قوم را از دست ما خواهند ستاند.

- از آنجا که عیسی ایلعازار را از مردگان زنده کرد، برخی از مردم به عیسی به عنوان خدای نجات دهنده ایمان آوردند.

- چون عیسی ایلعازار را از مردگان زنده کرد، عده ای رفتند و نقشه کشیدند تا عیسی را بکشند.

* چه کسی می خواست عیسی را بکشد؟

- رؤسای کاهنان و فریسیان.

* چه کسی رهبران کاهنان و فریسیان را برای کشتن عیسی رهبری می کرد؟

- شیطان .
- * چرا سران کاهنان و فریسیان می خواستند عیسی را بکشند؟
- چون شیطان بودند.
- چون به حرف شیطان گوش دادند نه به عیسی.
- * به چه کسی گوش می دهی، شیطان یا عیسی؟